



# تأملی بر جایگاه سرمایه اجتماعی در فقه امامیه و آموزه‌های اسلامی

سیدابراهیم حسینی<sup>1</sup>

فرزاد نوابخش<sup>2</sup>

فرانک سیدی<sup>3</sup>

تاریخ دریافت مقاله: 1400/07/20 تاریخ پذیرش نهایی: 1400/11/30

## چکیده

به نظر جامعه‌شناسان در ابتدای تشکیل هر نظام اجتماعی، روابط متقابل افراد با یکدیگر و روند آن در تشکیل و استمرار حیات اجتماعی جامعه تأثیرگذار است. این روابط متقابل و کیفیت آن که امروزه تحت عنوان «سرمایه اجتماعی» مورد مطالعه قرار می‌گیرند، در دهه‌های اخیر توجه گسترده صاحب‌نظران در حوزه‌های مختلف سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی را به خود جلب نموده است. علیرغم اینکه سرمایه اجتماعی مفهومی نوین در ساحت علوم انسانی و اجتماعی است، لیکن به نظر می‌رسد که می‌توان با مرور موشکافانه قواعد فقهی موجود در فقه امامیه و به‌طور کلی آموزه‌های اسلامی، سویه‌هایی قابل توجه از جایگاه سرمایه اجتماعی در آن‌ها را بازشناخت. پژوهش پیش روی با همین هدف و ضمن اتخاذ روش توصیفی - تحلیلی، مبادرت به بازشناسی و تأمل در جایگاه مقوله سرمایه اجتماعی در فقه امامیه و آموزه‌های اسلامی نموده است. یافته‌های پژوهش، حاکی از آن است که قواعد فقهی و آموزه‌هایی همچون اخوت اسلامی، فرهنگ ایثار، وقف، قاعده لاضرر، قاعده نفی عسر و حرج، حرمت اعانه بر اثم، حرمت ربا و تجویز قرض الحسنه از مهمترین جلوه‌های توجه قانونگذار اسلامی به مقوله سرمایه اجتماعی و لزوم محافظت از آن می‌باشند.

**واژگان کلیدی:** اسلام، اعتماد، سرمایه اجتماعی، فقه امامیه، قواعد فقهی.

## 1- مقدمه

<sup>1</sup> دانشجوی دکترای تخصصی رشته جامعه‌شناسی اقتصادی و توسعه، دانشکده علوم انسانی، واحد اراک، دانشگاه آزاد اسلامی، اراک، ایران. seyedebrahimh1@gmail.com

<sup>2</sup> دانشیار گروه علوم اجتماعی، دانشکده علوم انسانی، واحد اراک، دانشگاه آزاد اسلامی، اراک، ایران. (استاد راهنما و نویسنده مسئول): f.navabakhsh@iau-arak.ac.ir

<sup>3</sup> استادیار گروه علوم اجتماعی، دانشکده علوم انسانی، واحد اراک، دانشگاه آزاد اسلامی، اراک، ایران. (استاد مشاور): f.saidy@iau-arak.ac.ir

سرمایه بسته به عرصه‌ای که در آن عمل میکند، به سه شکل اساسی ظاهر می‌شود: 1) سرمایه اقتصادی که بی‌درنگ و مستقیماً قابل تبدیل به پول است و ممکن است به شکل حقوق مالکیت درآید؛ 2) سرمایه فرهنگی که با بعضی شروط، قابلیت تبدیل به سرمایه اقتصادی را دارد و ممکن است به شکل مدارک تحصیلی درآید؛ 3) سرمایه اجتماعی که ساخته شده از تکالیف و تعهدات اجتماعی (پیوندها و ارتباطات) است (بکر، نقل از بدیعیان و همکاران، 1391: 2). شکل اخیر از سرمایه یعنی سرمایه اجتماعی، یکی از مفاهیم نوینی است که در دهه‌های اخیر در بین جامعه‌شناسان و صاحب نظران عرصه توسعه مورد توجه قرار گرفته است. این مفهوم ریشه در علم جامعه‌شناسی داشته و در سال‌های اخیر، به دلیل اینکه مشارکت در گروه و جامعه می‌تواند برای فرد، منافع و کارکردهای مثبت داشته باشد، از علوم اجتماعی به دیگر حوزه‌های علمی و حتی زبان عمومی نیز وارد شده است (حسینی، 1399: 7). سرمایه اجتماعی برخلاف دیگر سرمایه‌ها به صورت فیزیکی وجود ندارد؛ بلکه حاصل تعاملات هنجارهای گروهی و اجتماعی است (صیدایی و همکاران، 1388: 195). سرمایه اجتماعی وضعیتی کیفی را توصیف می‌کند که بر روابط بین افراد و گروه‌های جامعه حاکم است؛ به نحوی که ضمن تسهیل روابط بین افراد، اعتماد بین آن‌ها را نیز بهبود می‌بخشد<sup>1</sup> (سوری، 1393: 51). مهمترین آثار مترتب بر سرمایه اجتماعی را میتوان عبارت از کاهش وقوع جرم در جامعه، ارتقاء کارآمدی حکومت، افزایش همکاری متقابل بین آحاد جامعه و نهادها و همچنین ارتقاء سطح شبکه‌های اجتماعی، هنجارهای کسب و کار و اعتماد اجتماعی دانست (آزاد ارمکی، 1391: 43). در ضرورت وجود سرمایه اجتماعی، برخی صاحب‌نظران (هالپرن، 2005) بر این اعتقادند همانگونه فرد برای ادامه حیات مناسب، نیاز به ویتامین‌های مختلف در رژیم غذایی خود دارد تا به لحاظ فیزیکی سالم باشد، یک جامعه نیز برای حفظ سلامت خود، به گونه‌های مختلف سرمایه اجتماعی نیاز دارد. با وجود اینکه سرمایه اجتماعی از مفاهیم جدید علوم غربی است، اما میتوان در فقه امامیه و به طور کلی در آموزه‌های اسلامی، مؤلفه‌های آن را جست‌وجو و جایگاه آن را بازشناخت؛ چرا که علم فقه، انسان را قادر به استخراج و استنباط حدود و احکامی می‌سازد که واضح شریعت، آن‌ها را معین نکرده است (زارعی و لکزایی، 1392: 117). بر مبنای مجموع آنچه گفته شد، در پژوهش پیش روی بر آن هستیم تا با روش توصیفی - تحلیلی، تأملی بر جایگاه سرمایه اجتماعی در فقه امامیه و به طور کلی آموزه‌های

<sup>1</sup> وجدان کاری و علاقه به کار گروهی و حفظ منافع اجتماعی در ژاپن (و اخیراً کره و چین)، روح تحمل دشواری‌ها در هندوستان، اعتماد نسبی مردمان اسکاندیناوی به دولتمردان خود و همراهی اقشار عظیمی از جوامع عراق و لبنان با رهبران دینی و ملی خود، حاکی از تولید اعتماد بین مردم و مدیران ارشد است (دادگر و نجفی، 1385: 27).

اسلامی داشته باشیم؛ بر این مبنای، مهمترین پرسش پیش روی این پژوهش را میتوان اینگونه مطرح نمود که: آیا سرمایه اجتماعی (به مثابه مفهومی مدرن و برآمده از علوم جدید) و مؤلفه‌های آن دارای جایگاه و سابقه در فقه امامیه و به طور کلی آموزه‌های اسلامی هستند؟ بدیهی است، پاسخگویی صحیح به این سؤال، مستلزم آشنایی ابتدایی با مفاهیم کلیدی پژوهش است که در ابتدا به آنها خواهیم پرداخت.

## 2- مفاهیم

شناسایی مفاهیم عمده در یک پژوهش، امری است که ممکن است در بدو نظر واجد اهمیت چندانی نباشد؛ اما واقعیت این است که بدون درک درست از مفاهیم یک نوشتار و رها نمودن مفاهیم مدنظر نگارنده از تردید و دوپهلویی، با مفهوم‌شناسی جامع، ورود در مباحث ماهوی پژوهش با اشکالاتی همراه خواهد بود. تأکید نگارنده بر مفهوم‌شناسی، نه صرفاً به منظور گردآوری برخی مفاهیم آشنا و در دسترس، بلکه گذر به یک مفهوم شناسی کاربردی است.

## 2-1- سرمایه اجتماعی

سرمایه اجتماعی در معنای مدرن خود، ابتدا توسط هانیفان<sup>1</sup> در سال 1916 به کار رفت. وی سرمایه اجتماعی را سرمایه ناملموسی میدانست که بسیاری از امور زندگی روزانه مردم مانند حق کسب و کار، معاشرت، همفکری و همدردی و داد و ستد اجتماعی میان افراد و خانواده‌ها که واحدهای اجتماعی میسازند را در برمی‌گیرد. (ذوالفقاری و اسدی، 1398: 88). پس از هانیفان، تعاریف گوناگونی از سرمایه اجتماعی توسط صاحب‌نظران به عمل آمده است؛ مجموعه معینی از هنجارها یا ارزش‌های غیررسمی که اعضای گروه - که همکاری و تعاون میانشان مجاز است - در آن سهیم هستند (فوکویاما<sup>2</sup> به نقل از رشادت جو و همکاران، 1390: 4)، ویژگی‌هایی از سازمانهای اجتماعی مانند اعتماد، هنجارها و شبکه‌ها که میتوانند کارایی جامعه را از طریق اثرگذاری بر رفتار افراد با تسهیل فعالیتهای متناسب و هماهنگ شده بهبود ببخشند (پانتام<sup>3</sup> به نقل از فیلد، 2016: 10)، فرآیندهای بین فردی که اعتماد و هنجارهای اجتماعی و شبکه روابط را

<sup>1</sup> Hanifan.

<sup>2</sup> Fukuyama.

<sup>3</sup> Putnam.

می‌سازند و همکاری و هماهنگی متقابل را تسهیل می‌کنند (اواکاس<sup>1</sup> به نقل از کلانتری، 1377: 210) و مجموعه منابع فیزیکی یا غیرفیزیکی در دسترس فرد یا گروهی که دارای شبکه نسبتاً بادوامی از ارتباطات نهادینه شده با آشنایی دوجانبه و محترم هستند (بوردیو و واکوانت<sup>2</sup>، به نقل از رشادت جو و دیگران، منبع پیشین: 4) از مهمترین و مشهورترین تعاریفی است که پس از هانیفان، از سرمایه اجتماعی به عمل آمده است. برخی دیگر از پژوهشگران (کلمن<sup>3</sup>، 1998: 302)، رویکردی کارکردگرایانه را در تعریف سرمایه اجتماعی اتخاذ نموده و بر این باورند که سرمایه اجتماعی، یک موجودیت تنها نیست؛ بلکه مجموعه مختلفی از موجودیت‌هاست که دو مشخصه مشترک دارند. در همه آن‌ها جنبه‌ای از ساختار اجتماعی وجود دارد و همه آنها تسریع کننده اعمال خاص افرادی هستند که داخل ساختار فعالند. واژه سرمایه اجتماعی به دلیل جدید و نوپا بودن، هنوز در بسیاری از موارد، مفهومی مبهم باقی مانده است. این ابهام در تعریف، در روش‌های ارتقای آن و نیز سنجش سرمایه اجتماعی وجود دارد (زارعی و لکزایی، 1392: 121). با مروری بر تعریف‌های ارائه شده از سرمایه اجتماعی در سال‌های اخیر به مفهوم‌های مشترکی برمیخوریم که در نظریه‌پردازی سرمایه اجتماعی از آن استفاده می‌شود. برخی از این مفهوم‌ها عبارتند از: مشارکت در شبکه‌ها، داد و ستد بین افراد، اعتماد، هنجارهای اجتماعی، استفاده از منابع مشترک و کنشگرایی (شریفیان ثانی، 1390: 8) و در این مقاله، مبنای تبیین و تحلیل قرار خواهند گرفت.

## 2-2- فقه امامیه

واژه «فقه» و مشتقات آن به ویژه «تفقه»، در قرآن کریم، 20 مرتبه و در احادیث معصومین (ع) بسیار به کار رفته است. برخی از اهل لغت (قرشی، 1386، ج 5، 199-200؛ الطریحی، 1408ق، ج 2: 421) آن را به معنای فهم گرفته‌اند. به عقیده بسیاری از صاحب‌نظران (راغب اصفهانی، 1412 ق: 93؛ مطهری، 1374، ج 1: 128) فقه به معنای مطلق فهم نیست؛ بلکه به معنای فهم عمیق است؛ به این بیان که اطلاعات ما درباره امور و جریان‌های جهان، دوگونه است؛ گاهی اطلاعات ما سطحی است و گاهی از سطح ظواهر به اعماق امور و جریان‌ها نفوذ می‌کند و به ریشه آن پی می‌بریم. واژه فقه در همه جا همراه با تعمق و فهم عمیق است. به طور کلی می‌توان گفت که فقه، علم به احکام از گذر شناخت ادله تفصیلی آنهاست. دانش فقه، فرآیندی

<sup>1</sup> Eva Cox.

<sup>2</sup> Bourdieu & Wacquant.

<sup>3</sup> Coleman.

پایان ناپذیر است؛ چه ابتدا برای تبیین احکام موضوعات ساده و کوچک در جامعه سنتی به وجود آمد و با ورود جامعه به عصر مدرن، قلمرو تحولاتش گسترده شد و به تأمل جدی در مسائل مهمی چون حکومت، خانواده، اجتماع و قضاوت پرداخت (مهریزی، ۱۳۷۵: ۲۱۰). فقه امامیه نیز یکی از مذاهب فقهی در اسلام است که چون پیروان آن از شیعیان دوازده امامی اند، به «فقه شیعه» و از آن رو که بسیار به روایات و احادیث منسوب به امام جعفر صادق (ع) وابسته است، به «فقه جعفری» نیز مشهور است. در فقه امامیه، به لحاظ مفتوح بودن باب اجتهاد در همه دوره‌ها، جریان فقهی به سوی جلو و در جهت ارتقای آن بوده است (عظیمی، ۱۳۸۱: ۱۲۶). پس از آشنایی با کلیدی ترین مفاهیم پژوهش، اینک به بخش اصلی آن رسیده و بایستی جایگاه سرمایه اجتماعی (به مثابه مفهومی مدرن و برآمده از علوم جدید) را در فقه امامیه و آموزه‌های اسلامی مورد بازشناسی و تبیین قرار دهیم.

### 3- سرمایه اجتماعی در فقه امامیه و آموزه‌های اسلامی

سرمایه اجتماعی در روابط بین افراد تبلور می‌یابد و با متغیرهای جامعه‌شناختی همچون اعتماد، آگاهی، نگرانی درباره دیگران و مسائل عمومی، مشارکت در مسائل عمومی، انسجام، همبستگی و همکاری ارتباط دارد (پانتام و همکاران، ۱۳۸۹: ۳۰). بررسی قواعد فقهی و آموزه‌های اسلامی مبین این اصل مهم است که با وجود نوظهور بودن سرمایه اجتماعی (به عنوان یک اصطلاح نوین در عرصه علوم اجتماعی) تعالیم اسلامی در راستای غنی‌سازی سرمایه اجتماعی در نهادهای مختلف جامعه تنظیم شده است (بدیعیان و همکاران، ۱۳۹۱: ۷). در این قسمت به عنوان مهم-ترین بخش مقاله، به بررسی آن دسته از قواعد فقهی و آموزه‌های اسلامی که دارای بیشترین ارتباط با متغیرهای و مؤلفه‌های اجتماعی فوق‌الاشاره میباشند، پرداخته و ارتباط هر یک با سرمایه اجتماعی را تبیین خواهیم نمود.

### 3-1- اخوت اسلامی

اخوت اسلامی، شبکه ای از روابط عاطفی، اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و اقتصادی دو وجهی است که از نظر پیوستگی و گسستگی، خودی و غیرخودی و از نظر جامعه‌شناختی، همگرایانه و واگرایانه است. رابطه پیوستگی، حامل همبستگی و همگرایی «رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ» و رابطه گسستگی حامل واگرایی «أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ» (فتح/۲۹) است. قرآن کریم، هم شکلی عقیدتی و رفتاری را در کنار برادری مطرح می‌کند؛ آیه «إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ...» (حجرات/۱۰)، قانونی را در بین مسلمانان

تشریح می‌کند و نسبتب را برقرار می‌سازد که پیش از این برقرار نبود و آن، نسبت برادر ایمانی است که آثار شرعی و حقوقی نیز دارد (فتحی، 1390: 183). به نظر می‌رسد در میان هیچ ملتی به جز مسلمانان، ارتباط آدمیان بر مبنای اخوت و برادری شکل نگرفته باشد. اخوت نوعی ارتباط عاطفی است که بُن مایه‌های آن محبت و دگردوستی و ثمره آن، وحدت و اتحاد است. مبانی اندیشه اخوت دینی، معارف وحیانی است که بیش از اخوانی و آیین برادری دینی را به صورت یک معاهده و پیمان اجتماعی طرح نموده و با این سرمایه اجتماعی، شکاف‌ها و تنش‌های عمیق میان اعراب تند مزاج را به وحدت و برادری تبدیل نمود (فنائی، 1398: 561). اخوت اسلامی از طریق ارتقای اعتماد عمومی، ضمن تسهیل کنش‌های جمعی، هزینه‌های مترتب بر آنها را کاهش داده و موجبات ارتقای سرمایه اجتماعی را فراهم می‌آورد.

### 3-2- ایثار

ایثار عبارت است از نوعی رفتار ارتباطی که کنشگر با نیت خیر در امری که به آن نیاز یا دلبستگی دارد، دیگری را بر خود مقدم دارد (محسنی و قراملکی، 1395: 48). در تبیین فرهنگ ایثار باید گفت که این فرهنگ، دربرگیرنده عالی‌ترین و غنی‌ترین مضامین متعالی است که در بطن و در متن خود، مجموعه‌ای از باورهای ماورائی و معنوی را داراست که راه سعادت انسان و جوامع انسانی را به طور کل دربرمی‌گیرد (کرد نائیج و خلیلی پالندی، 1397: 41)؛ علامه طباطبایی بیان می‌دارد که در فرهنگ قرآنی، آنچه که فرد را وا می‌دارد که ایثار نموده و خود را در معرض خطر بیندازد، این است که او همه چیز را در عالم، از آن خدا میداند و برای هیچ موجودی، قدرت و عزتی مستقل از او قائل نیست (شوازی و کرمی، 1398: 94). به همین دلیل است که در توسعه فرهنگی، عینی کردن فرهنگ ایثار و خارج کردن آن از برخوردهای صرفاً ذهنی، مطرح هست که می‌تواند ترویج دگرخواهی، از خودگذشتن و رواج همگرایی و هم‌افزایی اجتماعی را به دنبال داشته باشد (فقیه و همکاران، 1397: 141). فرهنگ ایثار، بستر مورد نیاز برای شکل‌گیری عالی‌ترین سطح از سرمایه اجتماعی در جامعه اسلامی را فراهم می‌آورد. فرهنگ ایثار از طریق پیوند با باورهای دینی، موجب برقراری اعتماد و توجه به ارزش‌های اخلاقی در افراد می‌گردد (کرد نائیج و خلیلی پالندی، منبع پیشین: 37)؛ به زندگی آنان معنا میبخشد و باعث تقویت و تحکیم سرمایه اجتماعی می‌شود.

### 3-3- وقف

یکی از برترین آموزش‌های عملی اسلام در ارتباط با دیگران، سنت حسنه‌ی «وقف» است. وقف از انواع امور خیریه و داوطلبانه است که برای برخورداری دیگران از اموال اشخاص توانمند و به

منظور تعدیل ثروت و توزیع درآمد آنها به وجود آمده است (شامحمدی و همکاران، 1399: 79). اهمیت سنت وقف در شریعت به اندازه ای است که در ابواب فقهی، بابتی جداگانه به آن اختصاص یافته و مقررات، قوانین و احکام آن به تفصیل بیان شده است. وقف در مفهوم فقهی عبارت است از: «تحبیس الأصل و اطلاق المنفعه» (مکی العاملی، 1403ق، ج 3: 163)؛ با حفظ عین مال، منفعت آن را به مردم واگذار نمودن؛ یعنی سرمایه و ملکی به عنوان وقف اختصاص یابد تا با حفظ این سرمایه، از منفعت آن استفاده گردد. وقف املاک برای امور خیر، علاوه بر این که نوعی احسان و انفاق محسوب می‌گردد، موجب می‌شود تا جامعه اسلامی از این سرمایه اجتماعی منتفع گردد. امانت‌داری و مدیریت صحیح اموال موقوفه موجب می‌شود تا مردم بخشی از املاک خود را وقف نمایند؛ در مقابل، عدم نظارت کافی بر حفظ و هزینه املاک موقوفه، باعث می‌شود که صاحبان سرمایه و املاک، رغبتی برای وقف پیدا نکنند.

### 3-4- قاعده لاضرر

قاعده ای همچون قاعده لاضرر را نمیتوان یافت که فقها درخصوص آن، تا این میزان بحث و بررسی کرده باشند. به این قاعده هم در عبادات و هم در معاملات یعنی از کتاب صلات تا حدود و قصاص و دیات استناد شده است. مبانی این قاعده علاوه بر آیات متعدد قرآن کریم، روایات وارد شده از پیامبر اکرم (ص) و معصومین (ع) است که به حد تواتر رسیده‌اند. بنای عقلا و اجماع (البته اجماع مدرکی) نیز از مبانی این قاعده به شمار می‌رود. مفاد عبارت «لاضرر و لاضرار فی الإسلام» نزد فقها در معانی مختلفی همچون نفی حکم ضرری (ملا احمد نراقی، 1408ق: 19-20؛ موسوی بجنوردی، 1413ق، ج 1: 182)، نفی موضوع ضرری (آخوند خراسانی، 1417ق: ج 1: 381)، نفی ضرر غیر متدارک (انصاری، 1422ق، ج 2: 460-461)، نهی از ضرر (شیخ الشریعه اصفهانی، 1407ق: 28) و حکم حکومتی (امام خمینی، 1381، ج 3: 112) استعمال گردیده است. اهمیت این قاعده، به اندازه‌ای است که برخی (مطهری، 1381: 38) از این قاعده به عنوان رمز هماهنگی اسلام با پیشرفته‌ها و توسعه فرهنگ یاد کرده‌اند و آن را از قواعد حاکمی دانسته‌اند که بر سرتاسر فقه حکومت دارد و کار آن کنترل و تعدیل قوانین دیگر است. از آنجا که بنای عقلا

<sup>1</sup> عبارت‌های قاعده از یک حدیث نبوی به عاریه گرفته شده است. در این روایت آمده است که سمره بن جندب، درخت خرمايي در خانه یکی از انصار داشت و به بهانه سرکشی به درخت خود، برای صاحبخانه ایجاد مزاحمت و ضرر میکرد. مرد انصاری نزد پیامبر شکایت برد و پیامبر کوشش زیادی کرد تا با مذاکره و دادن عوض، درخت خرما را برای شاکی بخرد اما سمره لجبازی می‌نمود تا اینکه پیامبر دستور داد درخت را بکنند و نزد صاحبش ببندازند و فرمودند: «فأنه لا ضرر و لا ضرار فی الإسلام» (کلینی، 1415ق، ج 5: 292).

محقق است که در زندگی اجتماعی و مدنی، زیان رساندن به دیگران، اولاً امری ناپسند است و ثانیاً زیان رساننده در مقابل زیان دیده مسئول پرداخت خسارت است؛ لذا این اصل، در کلیه سیستم‌های حقوقی پذیرفته شده است (محقق داماد، 1400: 153). به رغم بحث‌های مفصلی که پیرامون قاعده لاضرر وجود دارد و با وجود قدمت پردازش علمی، بحث از آن در حوزه پیدایش خود باقی مانده و راه به مباحث بنیادین حوزه اجتماع نیافته است ولی با این وجود، در تبیین ارتباط قاعده مزبور با مقوله سرمایه اجتماعی، می‌توان گفت که چون ایراد ضرر، آسیب و خسارت به دیگری و عدم جبران آن، باعث تزلزل در روابط اجتماعی و اعتماد فی مابین کنشگران اجتماعی می‌گردد، لذا توجه به لزوم جبران ضرر و فقدان ضرر جبران نشده در آموزه‌های اسلامی به طور عام و فقه امامیه به طور خاص را میتوان دلیلی بر توجه آنها به مقوله سرمایه اجتماعی (در مفهوم نوین آن) قلمداد نمود.

### 3-5- قاعده نفی عسر و حرج

قاعده نفی عسر و حرج از قواعد فقهی عامی است که در عرصه مسائل اجتماعی به طور عام و مسائل اقتصادی به طور خاص کاربرد دارد. واژه «عسر» در لغت نقطه مقابل «یسر» و به معنای تنگنا، شدت و دشواری آمده است. «حرج» نیز در اصل به معنای جمع شدن و ضیق و تنگی ناشی از آن - همچون محل پر درخت - آمده و سپس به مناسبت به معنی تنگنا و گناه به کار رفته است (توتونچیان و خزایی، 1399: 4). برای اثبات قاعده نفی عسر و حرج، معمولاً به دو آیه اشاره می‌شود: آیه (78) سوره مبارکه حج و آیه (4) سوره مبارکه مائده. به موجب آیه نخست، خداوند بر مؤمنان منت نهاد و هرگونه حرجی را در دین از آنان برداشت، خواه حرج در اصل حکم باشد یا حرجی که به طور اتفاقی بر آن عارض گردد؛ چرا که شریعت اسلام، سهل و آسان است (طباطبایی، 1374، ج 29: 211) و به موجب آیه دوم، خداوند نمیخواهد حکمی را که موجب سختی و حرج

<sup>1</sup> «وَجَاهِدُوا فِي اللَّهِ حَقَّ جِهَادِهِ هُوَ اجْتَبَاكُمْ وَمَا جَعَلَ عَلَيْكُمْ فِي الدِّينِ مِنْ حَرَجٍ» و در راه خدا چنان که حق جهاد (در راه) اوست جهاد کنید. اوست که شما را (برای خود) برگزیده و در دین بر شما سختی قرار نداده است.

<sup>2</sup> «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا قُمْتُمْ إِلَى الصَّلَاةِ فَاغْسِلُوا وُجُوهَكُمْ وَأَيْدِيَكُمْ إِلَى الْمَرَافِقِ وَامْسَحُوا بِرُءُوسِكُمْ وَأَرْجُلَكُمْ إِلَى الْكَعْبَيْنِ وَإِنْ كُنْتُمْ جُنُبًا فَاطَّهَّرُوا وَإِنْ كُنْتُمْ مَرْضَى أَوْ عَلَى سَفَرٍ أَوْ جَاءَ أَحَدٌ مِنْكُمْ مِنَ الْغَائِطِ أَوْ لَامَسْتُمُ النِّسَاءَ فَلَمْ تَجِدُوا مَاءً فَتَيَمَّمُوا صَعِيدًا طَيِّبًا فَامْسَحُوا بِوُجُوهِكُمْ وَأَيْدِيكُمْ مِنْهُ مَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيَجْعَلَ عَلَيْكُمْ مِنْ حَرَجٍ وَ لَكِنْ يُرِيدُ لِيُطَهِّرَكُمْ وَ لِيُبَيِّنَ نِيَمَتَهُ عَلَيْكُمْ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ». ای کسانی که ایمان آورده‌اید هنگامی که برای نماز بپا خاستید صورت و دستها را تا آرنج بشوئید و سر و پاها را تا مفصل (یا برآمدگی پشت پا) مسح کنید و اگر جنب باشید خود را بشوئید (غسل کنید) و اگر بیمار یا مسافر باشید یا یکی از شما از محل پستی آمده (قضای حاجت کرده) یا با زنان تماس گرفته باشید (آمیزش جنسی کرده‌اید) و آب (برای غسل یا وضو) نیابید یا خاک پاکی تیمم کنید و از آن بر صورت (پیشانی) و دستها بکشید، خداوند نمی‌خواهد مشکلی برای شما ایجاد کند بلکه می‌خواهد شما را پاک سازد و نعمتش را بر شما تمام نماید شاید شکر او را به جا آورید.



باشد، جعل و تشریح نماید، خواه اصل حکم حرجی باشد یا برخی از مصادیق آن به صورت اتفاقی. (توتونچیان و خزایی، منبع پیشین: 4). براساس قاعده نفی عسر و حرج، هرگونه تنگنایی در روابط اجتماعی (در همه عرصه‌ها و از جمله عرصه اقتصادی) رفع شدنی است؛ برای نمونه، در صورتیکه پرداخت بدهی، موجب عسر و حرج بر بدهکار گردد، وجوب آن منتفی می‌شود و طلبکار نیز نباید از وی مطالبه نماید یا بر او سخت گیرد؛ بر این مبنا، میتوان قاعده مزبور را در راستای تقویت روحیه تعاون و همکاری اجتماعی تفسیر و مفاد آن را با توجه به مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی، بازساخت؛ بدین معنا که نفی هرگونه عسر و حرج و تنگنا در روابط اجتماعی، نشان دهنده جایگاه رفیع سرمایه اجتماعی در آموزه‌های اسلامی به طور عام و فقه امامیه به طور خاص است.

### 3-6- قاعده حرمت اعانه بر اثم

شخص گناهکار گاهی به تنهایی مرتکب معصیت و یا جرم شده و گاهی با همکاری دیگران مبادرت به آن نموده است. این همکاری ممکن است به دو صورت باشد: صورت اول دخالت تمامی همکاران در عنصر مادی گناه یا جرم است که به آنان شرکا گفته می‌شود. در صورت دوم فرد یا افرادی به تنهایی مرتکب عنصر مادی گناه یا جرم شده ولی فرد یا افراد دیگری وی را در ارتکاب عنصر مادی، یاری و معاونت میکنند که در فقه اسلامی از این عمل به «اعانه بر اثم» یاد می‌شود. این قاعده علاوه بر حوزه عبادات، معاملات و حتی جزائیات را هم شامل شده (شیخ الاسلامی، 1394: 136) و با توجه به مویداتی که از قرآن، روایات و دلیل عقل دارد؛ غیر قابل خدشه میباشد (همان: 156). مهم‌ترین آیه ای که در قرآن کریم مرتبط با قاعده میتوان یافت آیه (2) 'سوره مائده میباشد. برخی از فقها (فاضل لنکرانی، 1416ق، ج 1: 444) از این آیه، حرمت اعانت بر اثم را استنباط نموده‌اند؛ با این استدلال که در آیه مذکور، از تعاون بر اثم نهی شده و نهی دلالت بر حرمت دارد؛ هرچند گروهی دیگر (منتظری، 1415ق: 327) این آیه را برای این مقصود کافی ندانسته‌اند؛ به این دلیل که نهی از اعانه بر اثم در مقابل امر بر اعانه بر تقوی آمده است و چون امر به تقوی مستحب است، از این رو وجود این احتمال، مانع از اثبات حکم حرمت برای اعانه خواهد بود. ضعف دلالتی آیه فوق، با روایات معتبر و دلیل عقلی جبران می‌شود. به طور کلی، فقهای امامیه بر حرمت اعانت بر اثم اجماع دارند؛ هرچند با وجود آیه و روایت و دلیل عقل، اجماع

<sup>1</sup> «تعاونوا علی البرّ و التقوی و لا تعاونوا علی الإثم و العدوان». بر نیکی و پرهیزگاری با یکدیگر همکاری کنید و بر گناه و ظلم به هم یاری نرسانید.

حاصل، مدرکی بوده و اجماع مدرکی دلیل مستقل محسوب نمی‌شود. در مجموع بایستی گفت که چنانچه رفتاری در حوزه اجتماعی به طور عام، منطبق بر شرایط قاعده اعانت بر اثم باشد، مشمول حکم حرمت بوده و در نتیجه ممکن است با سرزنش، ممنوعیت و حتی جرم انگاری<sup>۱</sup> نیز مواجه گردد؛ به عنوان نمونه، اعطای رشوه و پورسانت، چون منطبق بر مفاد قاعده مزبور بوده و تضعیف کننده‌ی اعتماد و سرمایه اجتماعی نیز می‌باشند، حسب مورد می‌توانند با ممنوعیت و جرم انگاری پاسخ داده شوند.

### 3-7- حرمت رباخواری و تجویز قرض الحسنه

از نظر لغوی ربا به کسر راء، واژه ای عربی و به معنای مطلق زیاد شدن است. پس ربا در اصل به معنای فزونی است. زمانی که چیزی زیاد شود، رباست و ربا عبارت است از فزونی بر سرمایه (رأس مال) (فخرائی، 1376: 18). در میان مذاهب بزرگ، اسلام تنها دینی است که ربا (بهره) را ممنوع کرده و در طول تاریخ نیز به دلیل صراحت قرآن و اعتقاد مسلمانان به آن، خدشه ای به اصل ممنوعیت ربا وارد نشده است؛ هرچند اختلاف نظرهایی در خصوص اقسام و مصادیق آن وجود دارد. ربا در قرآن به معنای سود ظالمانه در معامله یا تجارت بوده و چندین بار در سوره‌های مدثر<sup>۲</sup>، بقره<sup>۳</sup>، آل عمران<sup>۴</sup>، نساء<sup>۵</sup> و

<sup>۱</sup> جرم انگاری یا ایجاد جرم از طریق قانون عبارت است از تعریف یک جرم در معنای وسیع کلمه در حقوق کیفری؛ یعنی همزمان نامگذاری و طبقه بندی آن؛ نامگذاری یک وضعیت، یک رفتار که گاه تا پیش از آن نام گذاری نشده بوده است؛ تقسیم بندی فضای اجتماعی به قانونی و غیرقانونی و به طور دقیق‌تر، محدود کردن فضای آزادی با یک ممنوعیت و تکلیف جدید در صورتی که جرم ناشی از فعل باشد (دلماش مارتی، 1393: 72).

<sup>۲</sup> قرآن کریم، در آیه 6 سوره مدثر، خطاب به پیامبر (ص) می‌فرماید: «وَلَا تَمُنُّ تُسَنَكُورُ». علامه طبرسی در تفسیر مجمع البیان (مأخذ) و سال‌ها بعد امیر عبدالطیف مشهور معتقدند این اولین آیه ای است که بر نهی ربا دلالت دارد و به پیامبر می‌گوید: «چیزی را عطا نکن در حالی که بیش از آنچه داده ای مطالبه کنی». (باقری و ابراهیمی، 1391: 114-113)

3 - «يَمْحَقُ اللَّهُ الرِّبَا وَ يُرْبِي الصَّدَقَاتِ وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ كُلَّ كَفَّارٍ أَثِيمٍ». خداوند، ربا را نابود میکند و صدقات را افزایش میدهد! و خداوند، هیچ انسان ناسپاس گنجهکاری را دوست نمیدارد. (سوره بقره، آیه 276)

4 - «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَأْكُلُوا أَمْوَالِ الرِّبَا أضعفًا مُضعَفًا وَ اتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ». ای کسانی که ایمان آورده اید، ربا را که سودهای افزوده و چند برابر است نخورید و از خدا پروا کنید، شاید رسنگار شوید. (سوره آل عمران، آیه 130)

<sup>۵</sup> «وَ أَخَذْنَاهُمُ الرِّبَا وَ قَدْنَاهُوا عَنهُ وَ أَكَلْنَاهُمْ أَمْوَالِ النَّاسِ بِالْبَاطِلِ وَ أَعْتَدْنَا لِلْكَافِرِينَ مِنْهُمْ عَذَابًا أَلِيمًا» و هم بدین جهت که ربا می‌گرفتند، در صورتی که از ربا خوردن نهی شده بودند و هم از آن رو که اموال مردم را باطل (مانند رشوه، خیانت و سرقت) می‌خوردند و ما برای کافران آنها مهیا داشته‌ایم عذابی بزرگ و دردناک. (سوره نساء، آیه 161)

روم<sup>۱</sup> به شدت مورد انتقاد قرار گرفته و تنها گناهی است که از آن به عنوان «جنگ با خدا»<sup>۲</sup> نام برده شده است. این ممنوعیت بر حقوق کشورهای مسلمان نیز تأثیر گذاشته است؛ در برخی از کشورهای اسلامی مانند ایران، پاکستان و عربستان ممنوعیت مطلق اخذ بهره وجود دارد و صرفاً فعالیتهای اقتصادی بدون ربا ممکن هستند و در برخی دیگر از کشورها مانند مالزی، هر دو نوع فعالیت اسلامی و متعارف امکان پذیرند (باقری و ابراهیمی، 1391: 115). از آنجا که ربا، رابطه ای اعتمادآمیز نیست و موجب از بین رفتن ارتباط سالم میان اعضای جامعه می‌شود (زارعی و لک‌زایی، 1392: 138)، همچنین با امان نظر به اینکه حذف آن از لحاظ اقتصادی، هزینه سرمایه‌گذاری را کاهش داده و نوعی امنیت در فعالیتهای اجتماعی و حتی انفرادی را پدید می‌آورد (طباطبایی، 1374، ج 6: 183)، بنابراین میتوان مدعی شده که آموزه‌های اسلامی و در رأس آن، رفتارهای پیامبر و دستورالعمل‌های وی، کانال‌های بازتولید سرمایه اجتماعی هستند (دادگر و نجفی، 1385: 25). علاوه بر نهی رباخواری، توصیه به قرض دادن به برادران مؤمن نیز در آموزه‌های اسلامی به شدت مورد توجه قرار گرفته است. آیه (18) سوره مبارکه حدید در این زمینه قابل ذکر است. برخی مفسران (مکارم شیرازی و آشتیانی، 1374، ج 23: 345). تعبیر قرض دادن به خدا را اینگونه تفسیر کرده‌اند: منظور از قرض‌الحسنه به خداوند در این آیه و آیات مشابه آن، به معنی وام‌دادن به بندگان است؛ زیرا خدا نیازی به وام ندارد؛ این بندگان مؤمن هستند که نیاز به وام دارند؛ بنابراین توصیه به قرض دادن و استفاده از تعبیر قرض دادن به خدا مبین الگوی اقتصادی مبتنی بر اعتماد (به عنوان مهمترین مؤلفه سرمایه اجتماعی) است که در آموزه‌های اسلامی مورد عنایت واقع گردیده است.

## نتیجه‌گیری

سرمایه اجتماعی از مفاهیم نوینی است که در دهه‌های اخیر میان جامعه‌شناسان و صاحب نظران عرصه توسعه، مورد توجه قرار گرفته است. با وجود نوظهور بودن مقوله سرمایه اجتماعی و طرح

<sup>۱</sup> «وَمَا آتَيْتُمْ مِنْ رِبَا لِيَرْبُوا فِي أَمْوَالِ النَّاسِ فَلَا يَرْبُوا عِنْدَ اللَّهِ وَ مَا آتَيْتُمْ مِنْ زَكَاةٍ تُرِيدُونَ وَجْهَ اللَّهِ فَأُولَئِكَ هُمُ الْمُصَلِّفُونَ». آنچه بعنوان ربا می‌پردازید تا در اموال مردم فزونی یابد، نزد خدا فزونی نخواهد یافت و آنچه را بعنوان زکات می‌پردازید و تنها رضای خدا را می‌طلبید (مايه برکت است و) کسانی که چنین می‌کنند، دارای پاداش مضاعفند. (سوره روم، آیه 39)

<sup>۲</sup> «فَإِنْ لَمْ تَقْتُلُوهُ فَأَذْنَبُوا حَرْبٍ مِنَ اللَّهِ وَرَسُولِهِ وَإِنْ تُبْتُمْ فَلَكُمْ رُؤُوسُ أَمْوَالِكُمْ لَا تَظْلِمُونَ وَلَا تُظْلَمُونَ» پس اگر ترک ربا نکردید، آگاه باشید که به جنگ خدا و رسول او برخاسته‌اید. و اگر از این کار پشیمان گشتید، اصل مال شما برای شماست که در این صورت به کسی ستم نکرده‌اید و از کسی ستم نکشیده‌اید. (سوره بقره، آیه 279)

<sup>۳</sup> «إِنَّ الْمُصَدِّقِينَ وَالْمُصَدِّقَاتِ وَأَقْرَضُوا اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا يَضَاعَفُ لَهُمْ وَلَهُمْ أَجْرٌ كَرِيمٌ». همانا مردان و زنانی که در راه خدا (به فقیران) صدقه و احسان کنند و به خدا قرض نیکو دهند (یعنی به محتاجان قرض الحسنه دهند) احسان آن‌ها را چندین برابر سازند و پاداش با لطف و کرامت نیز خواهند داشت.

آن، بررسی قواعد فقهی و آموزه‌های اسلامی مبین این است که قواعد و آموزه‌های مزبور در راستا و بر مبنای تقویت سرمایه اجتماعی در نهادهای مختلف جامعه تنظیم و وضع گردیده اند. در خصوص اخوت دینی بایستی گفت که این آموزه از طریق بالا بردن اعتماد عمومی، کنش‌های جمعی را تسهیل نموده و موجبات ارتقای سرمایه اجتماعی را فراهم می‌آورد. فرهنگ ایثار، ضمن برقراری اعتماد و توجه به ارزش‌های اخلاقی در افراد، به حیات آنان معنا بخشیده و باعث تقویت و تحکیم سرمایه اجتماعی می‌شود. وقف، علاوه بر این که نوعی احسان و انفاق محسوب می‌گردد، موجب می‌شود تا جامعه اسلامی از این سرمایه اجتماعی منتفع گردد. درخصوص قاعده لاضرر بایستی گفت که چون ایراد ضرر به دیگری و عدم جبران آن، موجب تضعیف یا از بین رفتن اعتماد بین افراد و در نتیجه ناپایداری در روابط اجتماعی می‌گردد، لذا توجه به لزوم جبران ضرر و فقدان ضرر جبران نشده در آموزه‌های اسلامی به طور عام و فقه امامیه به طور خاص، نشانه ای آشکار از توجه قانونگذار اسلامی به سرمایه اجتماعی و لزوم پشتیبانی از آن است. در مورد قاعده نفی عسر و حرج از آنجا که براساس آن، هرگونه تنگنایی در روابط اجتماعی رفع شدنی است، لذا قاعده مزبور در راستای تقویت روحیه تعاون و همکاری اجتماعی است که خود یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی به شمار می‌رود. در ارتباط با حرمت اعانه بر اثم، چنانچه رفتاری در حوزه اجتماعی به طور عام، منطبق بر شرایط این قاعده باشد، مشمول حکم حرمت بوده و ممکن است با سرزنش، ممنوعیت و حتی جرم انگاری مواجه گردد؛ چرا که اعانه بر اثم (مساعدت و همکاری در ارتکاب گناه یا جرم)، تضعیف کننده‌ی اعتماد و سرمایه اجتماعی است و در نهایت درخصوص حرمت رباخواری و تجویز قرض الحسنه نیز میتوان اینگونه بیان داشت که چون ربا، رابطه‌ی اعتمادآميز نیست و حذف آن پدیدآورنده امنیت در فعالیتهای فردی و اجتماعی است، لذا آموزه‌های اسلامی دقیقاً در این راستا توصیه و وضع گردیده اند؛ علاوه بر این، توصیه به قرض دادن و اجرای سنت قرض الحسنه نیز بیانگر الگوی اقتصادی مبتنی بر اعتماد (به عنوان مهمترین مؤلفه سرمایه اجتماعی) است که مورد توجه و تأکید در آموزه‌های اسلامی است.

## منابع

1. آخوند خراسانی، محمد کاظم (1417ق)، کفایه الأصول، جلد اول، چاپ دوم، قم، مؤسسه آل البیت لأحیاء التراث.

2. آزاد ارمکی، تقی و مبارکی، مهدی و شهبازی، زهره (1391)، بررسی و شناسایی شاخص‌های کاربردی توسعه اجتماعی، فصلنامه مطالعات توسعه اجتماعی، 10 (1)، 30-7.
3. الطریحی، شیخ فخرالدین (1408ق)، مجمع‌البحرین، تنظیم محمود عادل، جلد دوم، چاپ اول، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
4. امام خمینی (الموسوی الخمینی)، سید روح الله (1381)، تهذیب الأصول، جلد سوم، چاپ اول، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
5. انصاری، مرتضی بن محمد امین (1422ق)، فرائد الأصول، جلد دوم، چاپ دوم، قم، مجمع الفکر الاسلامی.
6. باقری، محمود و ابراهیمی، مریم (1391)، مطالعه تطبیقی منع ربا در حقوق کشورهای اسلامی و کشورهای اروپایی، دو فصلنامه دانش حقوق مدنی، 1 (2)، 108-121.
7. بدیعیان، راضیه و نجفی، محمد و عاشوری رودپشتی، رخسار (1391)، توسعه سرمایه اجتماعی بر اساس آموزه‌های قرآنی، فصلنامه بصیرت و تربیت اسلامی، 9 (23)، 1-22.
8. پانام، رابرت و همکاران (1389)، سرمایه اجتماعی: اعتماد، دموکراسی و توسعه، ترجمه حسن پویان و افشین خاکباز، چاپ سوم، تهران، انتشارات شیرازه.
9. توتونچیان، مهری و خزائی، احمدرضا (1399)، کاربرد قواعد فقهی در اقتصاد از منظر قرآن، فصلنامه علمی مطالعات فقه اقتصادی، 2 (3)، 1-15.
10. حسینی، ابراهیم (1399)، مطالعه اثرگذاری سرمایه اجتماعی در توسعه اجتماعی کلانشهر اراک، رساله نامه دکتری جامعه‌شناسی اقتصادی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد اراک، دانشکده علوم انسانی.
11. دادگر، یدالله و نجفی، محمد باقر (1385)، سرمایه اجتماعی و بازتولید آن در عصر پیامبر اسلام، فصلنامه اقتصاد اسلامی، 6 (24)، 13-38.
12. دلماس مارتی، میری (1393)، نظام‌های بزرگ سیاست جنایی، ترجمه علی حسین نجفی ابرندآبادی، چاپ دوم، تهران، انتشارات میزان.
13. ذوالفقاری، مهدی و اسدی، زهره (1398)، بررسی اثر سرمایه اجتماعی بر ثبات بانکی در ایران، فصلنامه پژوهش‌های اقتصادی، 19 (3)، 85-108.
14. راغب اصفهانی، ابوالقاسم حسین بن محمد (1412ق)، المفردات فی الغرائب القرآن، تحقیق سید محمد گیلانی، چاپ اول، بیروت، انتشارات دارالعلم - الدارالشامیه.

15. رشادت جو، حمیده و رضایی، علی‌اکبر و میرحق جو، میرنوید (1390)، نقش سرمایه اجتماعی در مدیریت بحران‌های اجتماعی کلان‌شهرهای ایران (مطالعه موردی شهر رشت)، فصل‌نامه مطالعات مدیریت شهری 30 (6) 1-230.
16. زارعی، راضیه و لکزایی، نجف (1392)، فقه شیعه و سرمایه اجتماعی در ایران، فصلنامه علمی - پژوهشی شیعه‌شناسی، 11 (43)، 117-146.
17. سوری، علی (1393)، سرمایه اجتماعی و رشد در ایران، فصلنامه پژوهش‌ها و سیاست‌های اقتصادی، 22 (69)، 49-64.
18. شامحمدی، منیر و محمدخانی، کامران و گودرزی، غلامرضا و صالحی امیری، رضا (1399)، تدوین و تبیین الگوی مدیریت توسعه فرهنگ وقف با تأکید بر سرمایه اجتماعی در افق 1404، فصلنامه آینده پژوهی مدیریت، دوره 31، شماره 4 (پیاپی 123)، صص 78-90.
19. شریفیان ثانی، مریم (1380)، سرمایه اجتماعی: مفاهیم اصلی و چارچوب نظری، فصلنامه رفاه اجتماعی، 1 (2)، 5-18.
20. شوازی، محمدتقی و کرمی، فرشاد (1394)، دین و سرمایه اجتماعی: مطالعه رابطه مشارکت در اجتماعات دینی و سرمایه اجتماعی، فصلنامه مطالعات توسعه اجتماعی - فرهنگی، دوره 4، شماره 1، صص 97-121.
21. شیخ الاسلامی، محمد علی (1394)، واکاوی معنا و مفهوم اعانه بر ائمه در آرای فقهای امامیه، فصلنامه مطالعات اسلامی: فقه و اصول، 47 (101)، 135-158.
22. شیخ الشریعه اصفهانی، فتح‌الله بن محمد جواد (1407ق)، قاعده لاضرر و یلیه افاضه القدر فی احکام العصیر، بیروت، دارالاضواء.
23. صیدایی، سید اسکندر و احمدی شاپورآبادی، محمد علی و معین آبادی، حسین (1388)، دیباچه ای بر سرمایه اجتماعی و رابطه آن با مؤلفه‌های توسعه اجتماعی در ایران، فصلنامه راهبرد توسعه، شماره پیاپی 19، 188-225.
24. طباطبایی، سید محمدحسین (1374)، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه سید محمدباقر موسوی همدانی، جلد ششم و بیست و نهم، چاپ پنجم، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
25. عظیمی، حبیب‌الله (1381)، پیشنهادی در ادوار تحولات فقه امامیه، فصلنامه الهیات و معارف اسلامی (مطالعات اسلامی)، شماره پیاپی 57، 125-156.

26. فاضل لنکرانی، محمد (1416ق)، القواعد الفقہیة، جلد اول، چاپ دوم، قم، انتشارات چاپخانه مهر.
27. فتحی، یوسف (1390)، اخوت اسلامی به مثابه سرمایه اجتماعی معنوی در اندیشه امام خمینی (ره)، فصلنامه مطالعات انقلاب اسلامی، سال 8، شماره 27، صص 173-198.
28. فخرائی، محمد (1376)، بررسی بزه ربا در حقوق کیفری ایران، پایان نامه کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم شناسی، دانشگاه قم، دانشکده علوم انسانی.
29. فقیه، محمدعلی و سید نقوی، میرعلی و واعظی، رضا (1397)، الگوی توسعه سرمایه اجتماعی (مورد مطالعه: بنیاد شهید و امور ایثارگران)، فصلنامه جامعه پژوهی فرهنگی، سال 9، شماره 4 (پیاپی 30)، صص 127-156.
30. فنائی، هادی (1398)، بازخوانش بنیادهای مفهومی «سرمایه اجتماعی» در متون دینی، اولین همایش ملی سرمایه اجتماعی بر پایه آموزه‌های اسلامی، قزوین، دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره).
31. قرشی، سید علی اکبر (1386)، قاموس قرآن، جلد پنجم، چاپ شانزدهم، قم، دارالکتب الاسلامیة.
32. کرد نائج، اسدالله و خلیلی پالندی، فرشته (1397)، تأثیر فرهنگ ایثار و شهادت بر سرمایه اجتماعی با میانجی‌گری باورهای دینی، فصلنامه مدیریت اسلامی، دوره 26، شماره 3، صص 37-58.
33. کلانتری، خلیل (1377)، مفهوم و معیار توسعه اجتماعی، نشریه اطلاعات سیاسی - اقتصادی، 131 و 132، 208-213.
34. کلینی، محمد بن یعقوب (1415ق)، اصول کافی، جلد پنجم، چاپ اول، قم، انتشارات دارالفکرین.
35. محسنی، محسن و قراملکی، فرامرز (1395)، تحلیل تطبیقی تاریخ مفهوم ایثار نزد دانشمندان مسلمان تا قرن هفتم، فصلنامه پژوهشنامه اخلاق، دوره 9، شماره 33، صص 47-63.
36. محقق داماد، سید مصطفی (1400)، قواعد فقه (بخش مدنی)، چاپ پنجاه و هشتم، تهران، انتشارات مرکز نشر علوم اسلامی.
37. مطهری، مرتضی (1374)، آشنایی با علوم اسلامی، جلد اول، چاپ پانزدهم، تهران، انتشارات صدرا.

38. مطهری، مرتضی (1381)، نظام حقوق زن در اسلام، چاپ سی و سوم، تهران، انتشارات صدرا.
39. مکارم شیرازی، ناصر و آشتیانی، محمدرضا (1374)، تفسیر نمونه، جلد بیست و سوم، چاپ دوازدهم، قم، دارالکتب الاسلامیه.
40. مکی‌العاملی، محمد بن جمال‌الدین (1403ق)، اللعه‌الدمشقیه، چاپ اول، بیروت، دار احیاء تراث العربی.
41. منتظری نجف‌آبادی، حسینعلی (1415ق)، الدراسات فی مکاسب‌المحرمه، چاپ سوم، قم، انتشارات تفکر.
42. موسوی بجنوردی، سید حسن (1413ق)، القواعد الفقهیه، جلد اول، چاپ اول، قم، مؤسسه اسماعیلیان.
43. مهریزی، مهدی (1375)، درآمدی بر قلمرو فقه، فصلنامه نقد و نظر، پژوهشگاه فرهنگ و علوم اسلامی، 2 (6)، 208-229.
44. نراقی، ملا احمد (1408ق)، عوائد‌الایام، چاپ اول، قم، انتشارات بصیرتی.
45. Coleman, James (1988), Social Capital in the Creation of Human Capital, American Journal of Sociology 94 (Supplement): P 95-120.
46. Field, John (2016), Social Capital, 3rd Edition, London and New York, Routledge
47. Halpern, David (2005), Social Capital (Key concepts), UK, Polity Press.